

رابطه دلایل ادامه زندگی مشترک با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی

راضیه نصیری دهسرخي *

کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

غلامرضا دهشیری

استادیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

فریده عامری

استادیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دلایل ادامه زندگی مشترک با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه زوجین ۱۷ - ۵۵ ساله شهرستان اصفهان و سمنان را شامل می‌شد که مدت ازدواج آن‌ها بین ۱ - ۳۵ سال بود و در سال ۱۳۹۵ به زندگی مشترک خود ادامه می‌دادند. نمونه پژوهش شامل ۱۷۵ نفر (۱۰۰ نفر زن و ۷۵ نفر مرد) بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از مقیاس دلایل ادامه زندگی مشترک و پرسشنامه راهبردهای حفظ رابطه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون آماری همبستگی و آزمون t مستقل تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین عوامل پاداش‌دهنده و تعداد عوامل پاداش‌دهنده با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد. از طرف دیگر بین عوامل محدودکننده و تعداد عوامل محدودکننده با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه‌ای منفی وجود دارد. همچنین از نظر دلایل پاداش‌دهنده و محدودکننده برای ادامه زندگی مشترک، تفاوت آشکاری بین دو جنس مشاهده نشد. به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که عوامل پاداش‌دهنده در جهت راهبردهایی که افراد برای نگهداری زندگی مشترکشان به کار می‌گیرند، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند به منظور افزایش و بهبود کیفیت، رضایت و ثبات زندگی مشترک زوجین به کار گرفته شود.

* نویسنده مسئول r_nasiri_71@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۴

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۹/۳

DOI: 10.22051/jwsp.2018.18200.1608

واژگان کلیدی

دلایل ادامه زندگی مشترک؛ راهبردهای حفظ رابطه زناشویی؛ عوامل پاداش‌دهنده؛ عوامل محدودکننده

مقدمه

ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده است که خود جزء مهم‌ترین اتفاقاتی است که در طی زندگی فرد رخ می‌دهد (زارع و صفیاری جعفر آباد، ۱۳۹۴). به عبارتی ازدواج یک رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ به عنوان دو فرد منحصر به فرد است (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۴). ثبات ازدواج^۱ مفهوم گسترده‌ای است و به زوج‌هایی اشاره می‌کند که نه طلاق گرفته و نه به دنبال جدایی از یکدیگر هستند (اورتینکال و ونستینوگن^۲، ۲۰۰۶؛ لنتال^۳، ۱۹۷۷). ثبات ازدواج مفهومی عینی و قابل مشاهده است که با رضایتمندی و شادکامی زناشویی متفاوت است. درحالی که ثبات ازدواج ویژگی زوجی است، رضایتمندی یک ویژگی فردی است و به شیوه‌های اشاره می‌کند که افراد ازدواجشان را ارزشیابی می‌کنند (کالمین^۴، ۱۹۹۹؛ لنتال، ۱۹۷۷). در واقع ثبات ازدواج مواردی را در بر می‌گیرد که بیشتر از شادی، قدرت و دوام رابطه را موجب شوند (لنتال، ۱۹۷۷).

در طی دهه‌های اخیر، تعدادی از پژوهش‌ها ساختارهای پاداش‌ها^۵، موانع^۶ و حضور جایگزین‌ها^۷ را برای مطالعه دلایل ادامه زندگی مشترک یا به عبارتی ثبات زناشویی به کار بردند. برای مثال، لوینگر (۱۹۶۵)، برای تشریح اینکه چرا برخی از ازدواج‌ها سالم و کامل باقی می‌مانند، ولی برخی از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند، نظریه تبادل اجتماعی را مطرح کرد. مطابق با نظریه لوینگر، افراد زمانی تمایل دارند در یک رابطه باقی بمانند که پاداش‌های دریافتی از رابطه زیاد و هزینه‌های صرف شده در رابطه اندک باشد. در این نظریه، پاداش‌ها شامل جنبه‌های خوشایند رابطه همچون همدلی و همنشینی، حمایت عاطفی، احساسات،

1. Marital stability
2. Orathinkal and Vansteenwegen
3. Lenthall
4. Kalmijn
5. Rewards
6. Barriers
7. Alternatives

روابط جنسی و کمک‌های روزانه است. و هزینه‌ها شامل جنبه‌های ناخوشایند رابطه همچون تلاش برای سازگاری، برخورد با پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی و کنار آمدن با عادت‌های بد همسر است (به نقل از پرویتی و آماتو^۱، ۲۰۰۳).

پاداش‌ها، موانع و حضور جایگزین‌ها ساختارهای مهم در چهارچوب ثبات زناشویی هستند. اگرچه سطح اندکی از پاداش‌ها ممکن است به فکر طلاق گرفتن منجر شود؛ همسرانی که می‌خواهند به ازدواج شان پایان دهند ابتدا باید بر تنوعی از موانع غلبه کنند. موانع شامل احساس وظیفه شرعی (نسبت به همسر، بچه‌ها، و سایر اعضای خانواده گسترده)، ارزش‌های اخلاقی یا مذهبی، نگرانی از بدنامی اجتماعی، محدودیت‌های قانونی و وابستگی مالی نسبت به همسر است. حضور داشتن یا نداشتن سایر افراد برای ازدواج نیز می‌تواند بدون توجه به سطح رضایت زناشویی افراد به ثبات زناشویی آسیب برساند (پرویتی و آماتو، ۲۰۰۳).

همچنین روزبالت و همکارانش (۱۹۸۳)، گسترش دادند مدل بسیار تأثیرگذار سرمایه‌گذاری را گسترش دادند، به این منظور که نشان دهند چرا افراد در روابطی باقی می‌مانند که کاملاً ارضا کننده نیست. مدل سرمایه‌گذاری^۲ بیان می‌کند که افرادی که به یک رابطه وابسته هستند (منظور افرادی که به روابطشان به عنوان یک منبع تجارب جنسی و مالی یا تجارب مورد طلب و آرزو نیازمند هستند) به میزانی که از روابطشان رضایتمند هستند، منابع و انرژی زیادی برای روابط خود صرف می‌کنند و با رشد و پیشرفت این وابستگی، حس تعهد درک می‌شود و روابطشان تداوم می‌یابد (به نقل از ونجلیستی و پرلمن^۳، ۲۰۰۶).

یکی از اهداف اولیه علم رفتاری، فهم و درک عواملی است که سلامتی روابط زناشویی را بهبود می‌بخشد و ثبات زناشویی را ارتقاء می‌دهد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، محققان حفظ و نگهداری روابط^۴ را یکی از عواملی می‌دانستند که روابط زناشویی را بهبود می‌بخشد و ارتقاء می‌دهد. حفظ و نگهداری روابط به عنوان پویایی رفتاری توصیف شده است که در حفظ یک رابطه کمک می‌کند (دیندیا^۵، ۲۰۰۰؛ به نقل از اگولسکای و باورز^۶، ۲۰۱۲).

1. Previti and Amato
2. Rusbelt,s investment model
3. Perlman
4. Maintenance Strategies
5. Dindia
6. Ogolsky and Bowers

با تمرکز بیشتر بر حفظ و نگهداری، تحقیقات رفتارها و تعاملاتی را شناسایی کردند که زن و شوهرها برای حفظ و نگهداری روابط خود می‌توانند به‌کار بگیرند (دیندیا، ۲۰۰۳؛ به نقل از وانگلیستی و پرلمن^۱، ۲۰۰۶). انواع مختلفی از چنین رفتارهایی موجود است. برای مثال، استافورد و کانری^۲ (۱۹۹۱) با تحقیق درباره این موضوع، پنج راهبرد نگهداری مثبت و کنشگرایانه را ایجاد کردند که به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود (دیندیا، ۲۰۰۰؛ به نقل از وانگلیستی و پرلمن، ۲۰۰۶). که عبارت هستند از مثبت‌گرایی^۳ که به تلاش برای ایجاد یک تعامل خوشایند اشاره دارد. گشودگی و آزادگی^۴ که به صحبت مستقیم درباره رابطه اشاره دارد. مورد اعتماد و اطمینان بودن^۵ که دربرگیرنده حمایت از همسر، ایجاد آرامش و راحتی برای همسر و پیمان و تعهد بستن به صورتی کاملاً واضح با همسر است. شبکه اجتماعی^۶ که به تکیه کردن به دوستان و خانواده برای حمایت از رابطه اشاره دارد و در نهایت تقسیم وظایف^۷ بدین معنی است که کارهای روزانه خانواده بین طرفین تقسیم شود (استافورد و کانری، ۱۹۹۱). محققان دریافته‌اند که ویژگی‌هایی همچون سن، تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی، نژاد و قومیت، ویژگی‌های جوامع، مذهب، تأثیر کودکان (کلارک-استوارت و برنتانو^۸، ۲۰۰۶) و همچنین مدرنیته شدن جوامع و ارزیابی‌های اقتصادی و قوانین طلاق (بادنمن^۹ و همکاران، ۲۰۰۷)؛ پایداری ازدواج یا انفصال آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج حاصل از پژوهش خالدی، موتابی، پورا بر ابراهیم و باقریان (۱۳۹۳) نشان داد که عوامل حفاظت‌کننده بر اساس فراوانی شامل ارتباط، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، سازگاری، عوامل بیرونی، مذهب و باور هستند. هر یک از این عوامل حفاظت‌کننده شامل چند مؤلفه اولیه هستند. تعدادی از مؤلفه‌ها مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشتند. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی دریافته‌اند که

1. Perlman
2. Staffor and Canary
3. Positiveness
4. Openness
5. Assurances
6. Social network
7. Apportion duties
8. Clarke-Stewart and Brentano
9. Bodenmann

تفریحات و فعالیت‌های فراغتی با تقویت مهارت‌های ارتباطی و تزریق شادی و نشاط در ازدواج، نقش مهمی در ثبات آن ایفا می‌کند.

اگرچه حجم عظیمی از تحقیقات در رابطه با ازدواج عمدتاً بر روی طلاق تمرکز کرده‌اند، گرایش جدید به سوی بررسی ازدواج‌هایی است که به طلاق ختم نمی‌شوند (گنیلکا، ۲۰۰۷؛ به نقل از حاتمی و رزانه، ۱۳۹۴) و مسأله تداوم ازدواج را مورد توجه ویژه قرار داده‌اند (باچاند و کارون^۱، ۲۰۰۱). نرخ بالای طلاق، تنها بخشی از جمعیت کلی زوجینی را نشان می‌دهد که مشکلات زناشویی دارند. سایر زوجین بسیاری اوقات مشکلات جدی دارند، اما به دلایلی همچون مشکلات مالی و پیامدهای طلاق خصوصاً برای فرزندان و مواردی از این قبیل حاضر به جدایی نیستند و تصمیم می‌گیرند در کنار هم ادامه دهند (خیری، ۱۳۹۴).

در دهه‌های اخیر، هزاران زن و شوهر در تمام مراحل ازدواج خود رنج می‌برند یا سعی می‌کنند به جای جدایی و طلاق با مشکلات ازدواج کنار بیایند (گیسون و میشل^۲، ۱۹۹۰؛ به نقل از بهاری، ۱۳۸۶). تمرکز بر اینکه چه عواملی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود، باعث به دست آمدن تصویری می‌شود که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد. با توجه به افزایش ازدواج‌های بی‌ثبات و افزایش آمار طلاق در کشور، کانون خانواده‌ها در خطر است و ضرورت دارد تا به پژوهش و تدبیر مجهز شویم (حسینی، ۱۳۹۰). اگر محققان بتوانند عواملی را شناسایی کنند که ازدواج را بر روی مسیر خود به سمت موفقیت قرار دهد، جامعه می‌تواند نرخ پایین‌تری از طلاق، افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج را تجربه کند (نیمتز^۳، ۲۰۱۱). به عبارتی با شناسایی این عوامل می‌توان با آموزش هرچه بیشتر، میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد و رضایت و شادکامی و دوام ازدواج‌های موجود را افزود و از این طریق تا حدودی از نابسامانی‌های خانوادگی و پیامدهای آن جلوگیری کرد (ندائی و همکاران، ۱۳۹۳) و گامی مهم در جهت سلامت خانواده و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه برداشت (خیری، ۱۳۹۴).

با توجه به آنکه در زمینه دلایلی که باعث می‌شود زوجین به جای فکر طلاق به زندگی مشترک خود ادامه دهند و در جهت حفظ و نگهداری آن بکوشند، تحقیقات زیادی در ایران

1. Bachand and Caron
2. Gibson and Michelle
3. Nimtz

انجام نشده است، پژوهش حاضر درصدد آن است که دلایلی را شناسایی کند که موجب می‌شود زوجین به زندگی مشترک خود ادامه دهند. همچنین بررسی کند که چه رابطه‌ای میان دلایل ادامه زندگی مشترک با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی وجود دارد.

روش پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین دلایل ادامه زندگی مشترک با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی بود، از روش همبستگی استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه افراد متأهل شهرستان اصفهان و سمنان در سال ۱۳۹۵ بود که دامنه سنی آن‌ها بین ۱۷ - ۵۵ سال و مدت ازدواج آن‌ها بین ۱ - ۳۵ سال بود. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۷۵ نفر از افراد جامعه بود که ۱۰۰ نفر از آن‌ها زن و ۷۵ نفر از آن‌ها مرد بودند و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از جامعه مذکور انتخاب شدند. به این صورت که افراد نمونه با مراجعه به اماکن عمومی از جمله مراکز خرید و پارک‌های موجود در شهرستان اصفهان و سمنان انتخاب شدند. میزان تحصیلات ۴۱/۷ درصد از افراد نمونه کارشناسی و پس از آن دیپلم با ۲۱/۱ درصد بود. همچنین بیشتر افراد بیکار بودند با ۴۱/۷ درصد، پس از آن بیشترین فراوانی متعلق به شغل کارمندی بود با ۳۹/۴ درصد و سپس شغل آزاد با ۱۸/۹ درصد بود. در این پژوهش از ابزارهایی استفاده شده است که در زیر به آن اشاره می‌شود:

پرسشنامه دلایل ادامه زندگی مشترک: این پرسشنامه را خیری (۱۳۹۴)، بر اساس عواملی طراحی و ساخته است که از پرسشنامه باز پاسخ، دلایل ادامه زندگی مشترک (اجرا شده بر روی نمونه ۵۸ نفری) استخراج شده بود. در این پرسشنامه ۲۳ ماده آورده شده است که هر ماده دو بخش دارد: بخش اول وجود عامل، که با بله یا خیر مشخص شده و بخش دوم شامل میزان اهمیت آن ماده برای ادامه زندگی مشترک است که در یک طیف ۵ درجه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد مشخص شده است. این پرسشنامه دارای دو خرده آزمون عوامل پاداش‌دهنده و عوامل محدودکننده است. ضریب پایایی هر کدام از این عوامل از طریق آلفای کرونباخ برای عوامل پاداش‌دهنده (۰/۹۲) و عوامل محدودکننده (۰/۷۵) به دست آمده است.

مقیاس راهبردهای حفظ رابطه (RMSM): مقیاس راهبردهای حفظ رابطه شامل ۳۱

1. Relational Maintenance Strategy Measure (RMSM)

سؤال است. این مقیاس را به منظور سنجش کمی راهبردهای حفظ رابطه، اولین بار استافورد و کانری (۱۹۹۱) ساخته‌اند و بعد کانری و استافورد (۱۹۹۲) آن را اصلاح کردند. نسخه اصلی RMSM از ۲۹ سؤال تشکیل شده بود که فعالیت‌های محافظت‌کننده رابطه را اندازه می‌گرفت که افراد انجام می‌دادند. در نسخه تصحیح شده این مقیاس که استافورد و همکارانش (۲۰۰۰) تهیه کرده بودند، دو راهبرد نصیحت کردن و مدیریت تعارض به مقیاس اضافه شد. این مقیاس شامل ۷ خرده مقیاس (اطمینان‌دهی، گشودگی، مدیریت تعارض، تقسیم وظایف، مثبت‌گرایی، نصیحت و شبکه‌های اجتماعی) است. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس یک مقیاس ۷ لیکرتی است که امتیاز هریک بر اساس نمره‌گذاری زیر است: کاملاً مخالفم: ۱، اغلب مخالفم: ۲، تا حدودی مخالفم: ۳، نه مخالفم و نه موافقم: ۴، تا حدودی موافقم: ۵، اغلب موافقم: ۶، کاملاً موافقم: ۷. همچنین دامنه نمرات از ۳۱ - ۲۱۷ است. در این مقیاس برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر خرده مقیاس، مجموع امتیازات مربوط به تک تک سؤال‌های آن خرده مقیاس را با هم محاسبه می‌کنند. ضریب پایایی هر کدام از این خرده مقیاس‌ها در مطالعه استافورد، داینتون و هاس^۱ (۲۰۰۰)، به این صورت است: نصیحت (۰/۷۰)، اطمینان‌دهی (۰/۹۲)، مدیریت تعارض (۰/۸۱)، گشودگی (۰/۸۷)، مثبت‌گرایی (۰/۷۶)، تقسیم وظایف (۰/۸۳)، شبکه‌های اجتماعی (۰/۷۲). در مطالعه‌ای که مؤمنی و همکارانش (۱۳۹۳) در این رابطه انجام دادند، ضریب پایایی هر کدام از خرده مقیاس‌ها به این صورت بود: نصیحت: (۰/۷۴)، اطمینان‌دهی (۰/۸۷)، مدیریت تعارض (۰/۷۱)، گشودگی (۰/۸۶)، مثبت‌گرایی (۰/۸۰)، تقسیم وظایف (۰/۶۰) و شبکه‌های اجتماعی (۰/۷۳). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی هر کدام از خرده مقیاس‌ها که از طریق آلفای کرونباخ به شرح زیر به دست آمد: اطمینان‌دهی (۰/۹۳)، گشودگی (۰/۸۷)، مدیریت تعارض (۰/۷۲)، تقسیم وظایف (۰/۷۱)، مثبت‌گرایی (۰/۸۵)، نصیحت (۰/۷۵) و شبکه‌های اجتماعی (۰/۵۵).

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی افرادی ذکر شده است که در طی زندگی مشترک خود حداقل یک بار به طلاق و جدایی فکر کرده‌اند.

1. Dainton Haas

جدول ۱: فراوانی و درصد فراوانی مربوط به فکر طلاق

سطوح	فراوانی	درصد
بله	۷۲	۴۱/۱
خیر	۱۰۳	۵۸/۹
کل	۱۷۵	۱۰۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که ۴۱/۱ درصد از افراد در طی زندگی مشترک خود حداقل یک بار به طلاق و جدایی فکر کرده‌اند و ۵۸/۹ درصد از افراد نمونه در طی زندگی مشترک خود به طلاق و جدایی فکر نکرده‌اند.

در جدول ۲ فراوانی و درصد فراوانی مربوط به سؤال «اولین بار بعد از گذشت چه مدت از ازدواج به طلاق و جدایی فکر کرده‌اید؟»، آورده شده است که در ۳ سطح سنجیده شده است.

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی مربوط به سطوح اولین زمان فکر طلاق

سطوح	فراوانی	درصد
یک سال بعد از ازدواج	۴۵	۲۵/۷
دو سال بعد از ازدواج	۱۳	۷/۴
بیشتر از سه سال بعد از ازدواج	۱۴	۸
کل	۷۲	۴۱/۱

جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشتر افرادی که به طلاق و جدایی فکر کرده‌اند، یک سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است. به عبارتی ۲۵/۷ درصد افراد نمونه در سال اول زندگی خود حداقل یک بار به طلاق و جدایی فکر کرده‌اند. ۷/۴ درصد از افراد نمونه بعد از گذشت دو سال از زندگی مشترکشان به طلاق فکر کرده‌اند. ۸ درصد از افراد نمونه بعد از گذشت بیشتر از سه سال از زندگی مشترکشان به طلاق و جدایی فکر کرده‌اند.

در جدول ۳ فراوانی و درصد فراوانی عوامل پاداش‌دهنده مؤثر بر ادامه زندگی مشترک در کل نمونه به تفکیک جنسیت ارائه شده است. برای مقایسه نسبت مردان و زنانی که هریک از عوامل پاداش‌دهنده را انتخاب کرده‌اند از آزمون دقیق فیش استفاده شد. نتایج این جدول نشان داد که بین عوامل پاداش‌دهنده، بیشترین فراوانی مربوط به عامل دوست داشتن با ۹۷/۱۴



درصد بوده است و بعد از دوست داشتن عامل امنیت و آرامش با ۹۵/۴۲ درصد و پس از آن به ترتیب عوامل اوقات شاد، تعهد، رابطه جنسی، حمایت همسر، عشق به همسر، علایق مشترک و تفاهم بودند.

جدول ۳: فراوانی و درصد فراوانی عوامل پاداش‌دهنده در کل نمونه به تفکیک جنسیت

P	کل		زنان		مردان		عوامل
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۸۹	۹۷/۱۴	۱۷۰	۹۷	۹۷	۹۷/۳	۷۳	دوست داشتن
۰/۲۵	۹۵/۴۲	۱۶۷	۹۷	۹۷	۹۳/۳	۷۰	امنیت و آرامش
۰/۹۳	۹۳/۱۴	۱۶۳	۹۳	۹۳	۹۳	۷۰	اوقات شاد
۰/۱۵	۹۲/۶	۱۶۲	۹۵	۹۵	۸۹/۳	۶۷	تعهد
۱	۹۲	۱۶۱	۹۲	۹۲	۹۲	۶۹	رابطه جنسی
۰/۱۶	۹۱/۴۲	۱۶۰	۹۴	۹۴	۸۸	۶۶	حمایت همسر
۰/۷۵	۹۱/۴۲	۱۶۰	۹۲	۹۲	۹۰/۷	۶۸	عشق به همسر
۰/۸۳	۸۸-۶	۱۵۵	۸۹	۸۹	۸۸	۶۶	علایق مشترک
۱	۸۸	۱۵۴	۸۸	۸۸	۸۸	۶۶	تفاهم

در جدول ۳ با مقایسه سطح معناداری ۰/۰۵ نتیجه می‌شود که هیچ ارتباطی میان جنسیت و هیچکدام از عوامل پاداش‌دهنده وجود ندارد و تمام عوامل مستقل از جنسیت هستند. در جدول ۴ فراوانی و درصد فراوانی عوامل محدودکننده در کل نمونه به تفکیک جنسیت ارائه شده است. برای مقایسه نسبت مردان و زنانی که هریک از عوامل محدودکننده را انتخاب کرده‌اند از آزمون دقیق فیشر استفاده شد. نتایج این جدول نشان داد که بیشترین فراوانی در بین عوامل محدودکننده، فرزندان با ۸۱/۱۴ درصد بوده است و پس از آن وابسته بودن به همسر با ۵۶ درصد بود. پس از آن به ترتیب عوامل ترحم و دلسوزی نسبت به همسر، ترس از تنهایی در آینده، باورهای مذهبی، بدنامی میان مردم، مشکل در تهیه مسکن، عذاب وجدان، نبود جرأت برای طلاق گرفتن، نبود فرصت مجدد ازدواج، نداشتن حق طلاق، عدم توان پرداخت مهریه، اصرار و فشار خانواده و ترس از آسیب دیدن از جانب همسر بودند. همچنین نتایج این جدول نشان داد که بین جنسیت و عوامل محدودکننده ارتباط معناداری وجود دارد و برخی از عوامل محدودکننده وابسته به جنسیت هستند.

جدول ۴: فراوانی و درصد فراوانی عوامل محدودکننده در کل نمونه به تفکیک جنسیت

P	کل		زنان		مردان		عوامل
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۰۲	۸۱/۱۴	۱۴۲	۸۷	۸۷	۷۳/۳	۵۵	فرزندان
۰/۵۳	۵۶	۹۸	۵۸	۵۸	۵۳/۳	۴۰	وابسته بودن
۰/۲۹	۵۲/۵۷	۹۲	۵۶	۵۶	۵۲	۳۹	ترحم و دلسوزی
۰/۰۸	۵۱/۴۲	۹۰	۵۷	۵۷	۴۴	۳۳	تنهایی در آینده
۰/۴۸	۵۰/۲۸	۸۸	۴۸	۴۸	۵۳/۳	۴۰	باورهای مذهبی
۰/۷۶	۴۸	۸۴	۴۹	۴۹	۴۶/۷	۳۵	بد نامی
۰/۰۰۳	۴۲/۳	۷۴	۵۲	۵۲	۲۹/۳	۲۲	مسکن
۰/۷۵	۴۰	۷۰	۳۹	۳۹	۴۱/۳	۳۱	عذاب وجدان
۰/۷۸	۳۷/۱۴	۶۵	۳۸	۳۸	۳۶	۲۷	نبود جرأت
۰/۹۲	۲۹/۷۱	۵۲	۳۰	۳۰	۲۹/۳	۲۲	نبود فرصت مجدد
۰/۱۹	۲۳/۴۲	۴۱	۲۷	۲۷	۱۸/۷	۱۴	نداشتن حق طلاق
	۱۸/۷	۱۴			۱۸/۷	۱۴	مهریه
۰/۹۵	۱۴/۸۵	۲۶	۱۵	۱۵	۱۴/۷	۱۱	اصرار خانواده
۰/۹۴	۱۰/۸۵	۱۹	۱۱	۱۱	۱۰/۷	۸	آسیب از همسر

در جدول ۴ با مقایسه سطح معناداری عوامل با ۰/۰۵ استنباط می‌شود که بین عوامل فرزندان و تهیه مسکن با جنسیت ارتباط معناداری وجود داشته و جنسیت در پاسخ به این عوامل تأثیرگذار بوده است. یعنی دلایل فرزندان و تهیه مسکن در زنان بیشتر گزارش شده است. در جدول ۵ به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش ضریب همبستگی بین متغیرها محاسبه شده است. بدین منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۵: جدول ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای دلایل ادامه زندگی مشترک با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. عوامل پاداش‌دهنده	۱				
۲. تعداد عوامل پاداش‌دهنده	۰/۷۷**	۱			
۳. عوامل محدودکننده	-۰/۲۹**	-۰/۱۳*	۱		
۴. تعداد عوامل محدودکننده	-۰/۲۱**	-۰/۰۰۳	-۰/۹۰**	۱	
۵. راهبردهای حفظ رابطه زناشویی	۰/۶۹**	۰/۴۵**	-۰/۲۶**	-۰/۱۹**	۱
۶. میانگین	۳۳/۳۸	۸/۳۰	۱۷/۸۷	۵/۵۴	۱۷۵/۱۹
۷. انحراف استاندارد	۱۰/۲۴	۱/۶۰	۱۱/۱۰	۳/۴۶	۲۹/۷

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱



چنانچه از جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که بین عوامل پاداش‌دهنده با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد $P < 0/01$ ، $r(175) = 0/69$. همچنین نتایج نشان داد که بین تعداد عوامل پاداش‌دهنده با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد $P < 0/02$ ، $r(175) = 0/45$. نتایج نشان داد که بین عوامل محدودکننده با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد $P < 0/01$ ، $r(175) = -0/26$. همچنین نتایج نشان داد که بین تعداد عوامل محدودکننده با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد $P < 0/01$ ، $r(175) = -0/19$.

برای بررسی تفاوت عوامل پاداش‌دهنده و محدودکننده بین زنان و مردان از آزمون t مستقل استفاده شد که در جدول ۶ ارائه شده است. در این جدول ابتدا میانگین و انحراف استاندارد متغیرها به تفکیک جنسیت ارائه شده و سپس مقادیر t ، درجه آزادی، سطح معناداری و اندازه اثر متغیرها ارائه شده است.

جدول ۶: آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت عوامل پاداش‌دهنده و محدودکننده بین زنان و مردان

جنسیت	زن		مرد		t	df	SD	M	SD	M
	SD	M	SD	M						
عوامل پاداش‌دهنده	۹/۸۳	۳۳/۷۲	۱۰/۸۲	۳۳/۷۲	۰/۵۰	۱۷۰	۱۰/۸۲	۳۳/۷۲	۹/۸۳	۳۳/۹۲
تعداد عوامل پاداش‌دهنده	۱/۵۲	۸/۲	۱/۷۱	۸/۲	۰/۶۹	۱۷۳	۱/۷۱	۸/۲	۱/۵۲	۸/۳۷
عوامل محدودکننده	۱۰/۷۸	۱۷	۱۱/۴۶	۱۷	۰/۹۱	۱۵۴	۱۱/۴۶	۱۷	۱۰/۷۸	۱۸/۶۴
تعداد عوامل محدودکننده	۳/۳۵	۵/۲۱	۳/۶۱	۵/۲۱	۱/۰۸	۱۷۳	۳/۶۱	۵/۲۱	۳/۳۵	۵/۷۹

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که در متغیر عوامل پاداش‌دهنده همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که در متغیر عوامل پاداش‌دهنده $d = 0/07$ ، $p = 0/49$ ، $t(170) = 0/50$ بود، لذا تفاوت معناداری بین دو جنس در عوامل پاداش‌دهنده وجود نداشت. در متغیر تعداد عوامل پاداش‌دهنده $d = 0/10$ ، $p = 0/19$ ، $t(173) = 0/69$ بود، لذا تفاوت معناداری بین دو جنس در تعداد عوامل پاداش‌دهنده وجود نداشت. در متغیر عوامل محدودکننده $d = 0/14$ ، $p = 0/35$ ، $t(154) = 0/91$ بود، لذا تفاوت معناداری بین دو جنس در عوامل محدودکننده وجود نداشت. در متغیر تعداد عوامل محدودکننده $d = 0/16$ ، $p = 0/33$ ، $t(173) = 1/08$ بود، لذا تفاوت معناداری بین دو جنس در تعداد عوامل محدودکننده وجود نداشت.

کننده وجود نداشت. $t(173) = 1/08, p = 0/33$ بود، لذا تفاوت معناداری بین دو جنس در تعداد عوامل محدود

برای بررسی تفاوت عوامل پاداش‌دهنده و محدودکننده بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترکشان به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که حتی یک بار هم در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر نکرده بودند، از آزمون t مستقل استفاده شد که در جدول ۷ ارائه شده است. در این جدول ابتدا میانگین و انحراف استاندارد متغیرها به تفکیک فکر کردن به طلاق ارائه شده و سپس مقادیر t و درجه آزادی و سطح معناداری و اندازه اثر متغیرها ارائه شده است.

جدول ۷: آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت عوامل پاداش‌دهنده و محدودکننده بین افراد

فکر طلاق	بله		خیر		df	t	P	d
	M	SD	M	SD				
عوامل پاداش‌دهنده	۲۶/۷۵	۱۱/۲۹	۳۸/۱۵	۵/۹۱	۱۷۰	-۸/۵۹	۰/۰۰۱**	۱/۳۲
تعداد عوامل پاداش‌دهنده	۷/۶۴	۲/۲۰	۸/۷۶	۰/۷۰	۱۷۳	-۴/۸۰	۰/۰۰۱**	۰/۷۴
عوامل محدودکننده	۲۰/۱۵	۱۱/۸۴	۱۶/۱۱	۱۰/۲۱	۱۵۴	۲/۲۸	۰/۰۹	۰/۳۶
تعداد عوامل محدودکننده	۶/۰۸	۳/۴۴	۵/۱۷	۳/۴۵	۱۷۳	۱/۷۳	۰/۷۶	۰/۲۶

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که در متغیر عوامل پاداش‌دهنده $d = 1/32, p = 0/001, t(170) = -8/59$ بود، لذا بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند، در عوامل پاداش‌دهنده تفاوت معناداری وجود داشت. به این صورت که با توجه به نتایج این جدول، میانگین نمرات افرادی که به طلاق فکر کرده بودند در عوامل پاداش‌دهنده (۲۶/۷۵) کمتر از میانگین نمرات افرادی که به طلاق فکر نکرده بودند (۳۸/۱۵) بود. در متغیر تعداد عوامل پاداش‌دهنده $d = 0/74, p = 0/001, t(173) = -4/80$ بود، لذا تفاوت معناداری بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند، در تعداد عوامل پاداش‌دهنده وجود داشت. به این صورت که با توجه به نتایج این جدول میانگین نمرات افرادی که به طلاق فکر کرده بودند در تعداد عوامل



پاداش‌دهنده (۷/۶۴) کم‌تر از میانگین نمرات افرادی که به طلاق فکر نکرده بودند (۸/۷۶) بود. در متغیر عوامل محدودکننده $d = ۰/۳۶$, $p = ۰/۰۹$, $t(۱۵۳) = ۲/۲۸$ بود، لذا تفاوت معناداری بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترکشان به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند در عوامل محدودکننده وجود نداشت. در متغیر تعداد عوامل محدودکننده $d = ۰/۲۶$, $p = ۰/۷۶$, $t(۱۷۳) = ۱/۷۳$ بود، لذا تفاوت معناداری بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند، در تعداد عوامل محدودکننده وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط میان دلایل ادامه زندگی مشترک با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین عوامل پاداش‌دهنده (دوست داشتن، امنیت و آرامش، اوقات شاد، تعهد، رابطه جنسی، حمایت همسر، عشق به همسر، علایق مشترک و تفاهم) و تعداد عوامل پاداش‌دهنده ادامه زندگی مشترک با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در راستای این یافته‌ها لامبرت و فینچام^۱ (۲۰۱۱) دریافتند که ابراز قدردانی که یکی از عوامل پاداش‌دهنده است، به رفتارهای نگهداری روابط بیشتری میان افراد منجر می‌شود. همچنین در پژوهش مارتین^۲ و همکاران (۲۰۰۳) شوخی کردن و شاد کردن فضای خانواده و در پژوهش راس^۳ (۲۰۰۹) داشتن اوقات فراغت با هم در استحکام خانواده‌ها بیشترین تأثیر را داشته است.

همچنین در پژوهشی که خالدی و همکاران (۱۳۹۳) انجام داده‌اند، نتایج نشان داد که عوامل عمده حفاظت‌کننده رابطه زناشویی بر اساس فراوانی عبارت از ارتباط، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، سازگاری، عوامل بیرونی، مذهب و باور است. هریک از این عوامل حفاظت‌کننده شامل چند مؤلفه اولیه هستند. تعدادی از مؤلفه‌ها مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشته‌اند. در این پژوهش بین زنان و مردان در انتخاب عوامل حفاظت‌کننده تفاوت معناداری مشاهده نشد.

1. Lambertan and Fincham

2. Martin

3. Ross

پژوهش حاتمی ورزنه (۱۳۹۴) نشان داد که در منظومه زن و شوهری، زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای عشق و تعلق خاطر (نظیر ابراز محبت و تعهد به همسر)، تفریح مناسب (نظیر صرف وقت با هم)، حریم‌سازی زوجی کارآمد (نظیر پاسداری از حریم زوجی و عدم اجازه دخالت اطرافیان)، نقش‌های مشخص و کارآمد (نظیر کمک به یکدیگر در ایفای نقش‌ها)، ارتباط خوب (نظیر گفت و شنود مؤثر)، تصمیم‌گیری مؤثر (نظیر مشورت با هم)، همسویی و مشارکت (نظیر همسویی در علایق و افکار)، تعاملات کارآمد در اجتماع، مطلع‌سازی همدیگر در رفت و آمدها و تلاش در راستای رشد یکدیگر بودند. همچنین یافته‌های پژوهش حاتمی ورزنه (۱۳۹۴)، حکایت از آن دارد که زوجین پایدار با راهبردهای نظیر گفت و گو، عذرخواهی، گذشت و حل مسأله به رضایت‌مندی و دوام رابطه خود کمک می‌کنند در حالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم مخرب، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کنند که به بدتر شدن وضعیت و افزایش میل به جدایی در همسران منجر می‌شد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که بین عوامل محدودکننده (فرزندان، وابسته بودن، ترحم و دلسوزی، تنهایی در آینده، باورهای مذهبی، بدنامی، مسکن، عذاب وجدان، نبود جرأت برای طلاق گرفتن، نبود فرصت ازدواج مجدد، نداشتن حق طلاق، مهریه، اصرار خانواده و آسیب از همسر) و تعداد عوامل محدودکننده ادامه زندگی مشترک با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی هرچه عوامل محدودکننده بیشتر باشد، استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی توسط افراد کاهش می‌یابد و هرچه عوامل محدودکننده برای ادامه زندگی مشترک کم‌تر باشد، استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی افزایش می‌یابد. در راستا با این یافته، بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، زوج‌هایی که راهبردهای مثبت حفظ رابطه را به خوبی به کار نمی‌گیرند، طبیعتاً به احتمال زیاد ازدواج ناموفقی خواهند داشت (استنلی^۱، ۲۰۰۳؛ فینچام و پیچ^۲، ۱۹۹۹؛ گاتمن^۳، ۱۹۹۸؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ به نقل از صیادی، نظری و ابراهیم، ۱۳۹۳).

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین عوامل پاداش‌دهنده با جنسیت ارتباط

1. Stanly
2. Pitch
3. Gottman

معناداری وجود ندارد و به عبارتی عوامل پاداش‌دهنده مستقل از جنسیت است. بین عوامل فرزندان و تهیه مسکن، که از جمله عوامل محدودکننده است، با جنسیت ارتباط معناداری یافت شد و به عبارتی دلایل فرزندان و تهیه مسکن برای ادامه زندگی مشترک در بین زنان بیشتر گزارش شده است. در پژوهش خیری (۱۳۹۴)، نیز همچون این پژوهش در میان زنان و مردان در عوامل پاداش‌دهنده تفاوت معناداری یافت نشد، ولی بین عوامل محدودکننده و تعداد عوامل محدودکننده با جنسیت تفاوت معناداری یافت شد.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند، در عوامل پاداش‌دهنده و تعداد عوامل پاداش‌دهنده وجود دارد. به این صورت که میانگین نمرات افرادی که به طلاق فکر کرده بودند، در عوامل پاداش‌دهنده کم‌تر از میانگین نمرات افرادی بود که به طلاق فکر نکرده بودند. اما تفاوت معناداری بین افرادی که حداقل یک بار در طی زندگی مشترک خود به طلاق فکر کرده بودند و آن‌هایی که به طلاق فکر نکرده بودند در عوامل محدودکننده و تعداد عوامل محدودکننده وجود ندارد.

در نهایت نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، افراد هنگامی به زندگی مشترکشان ادامه می‌دهند که پاداش‌های دریافتی از این ازدواج زیاد و محدودیت‌های موجود اندک باشد. به عبارتی محدودیت‌ها مانعی برای جدایی و طلاق تلقی می‌شوند که از جمله مهم‌ترین محدودیت‌هایی که در این پژوهش به دست آمد ابتدا فرزندان و سپس وابسته بودن به همسر می‌باشد که مانع از آن می‌شوند که با وجود رضایت زناشویی اندک، افراد از ادامه زندگی مشترکشان دست بکشند. همچنین نتایج نشان داد، عوامل پاداش‌دهنده منجر به افزایش استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی می‌شود و برعکس افرادی که به دلیل وجود موانع زیاد به زندگی مشترکشان ادامه می‌دهند، انگیزه کمتری برای حفظ و نگهداری روابطشان دارند. با توجه به موارد ذکر شده در این پژوهش تلاش بر آن بود که مشخص شود که در جامعه ایران عوامل پاداش‌دهنده و محدودکننده زندگی مشترک چه ارتباطی با راهبردهای حفظ رابطه زناشویی دارد. این پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر انتخاب نمونه از جامعه مردان، محدود بودن نمونه به شهر اصفهان و سمنان و عدم کنترل متغیرهای وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سن افراد هنگام ازدواج و تفاوت سنی زوجین مواجه بوده است. با توجه به نتایج

یه دست آمده پیشنهاد می‌شود عوامل پاداش دهنده در مشاوره‌های ازدواج و خانواده مورد توجه بسیار قرار گیرد و در جهت بهبود کیفیت زندگی زناشویی، کلاس‌هایی آموزشی در جهت استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی برای زوجین برگزار شود.



منابع

- بهاری، سیف الله (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر در آن. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۲(۴): ۲۷-۴۰.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل (۱۳۹۴). تدوین الگوی ازدواج پایدار رضایتمند و بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای مبتنی بر آن. رساله دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- حسینی، مریم (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های مقابله‌ای با صمیمیت و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- خالدی، شیدا، موتابی، فرشته، پورابراهیم، تقی و باقریان، فاطمه (۱۳۹۳). عوامل حفاظت کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۰(۳۷): ۳۱-۴۵.
- خیری، طوبی (۱۳۹۴). بررسی دلایل ادامه زندگی مشترک و رابطه آن با رضایت زناشویی، رضایت از زندگی و بهزیستی روانشناختی در افراد متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- زارع، بیژن و صفیاری جعفرآباد، هاجر (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۳(۱): ۱۱۱-۱۴۰.
- صیادی، محمد سجاده، نظری، علی محمد و ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳). نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی. فصلنامه روانشناسی و دین، ۱(۲۵): ۴۷-۵۸.
- موسوی، سیده فاطمه و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۴). نقش فاصله بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۳(۲): ۹۳-۱۱۰.
- مؤمنی، خدامرد، صیدی، محمد سجاده، رضایی، خدیجه، عزیزی، آرزو و انصاری، سمیرا (۱۳۹۳). نقش الگوهای فراغتی در ثبات ازدواج با واسطه‌گری راهبردهای حفظ رابطه و

- شادکامی زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۴(۲): ۳۳۹-۳۵۶.
- ندائی، علی، بهرامی، فاطمه، جزایری، رضوان السادات و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در راهبردهای مقابله‌ای در سازگاری زناشویی و مقایسه آن در زوجین شهر اصفهان. *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۳): ۱۴۱-۱۶۷.
- Bachand, L. L. and Caron, S. L. (2001). Ties that bind: a qualitative study of happy long- term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23(1): 105-121.
- Bahari, S. (2007). The study of marital satisfaction of student marriages and its effective factors. *Journal of New Thoughts in Educational Sciences*, 2(4): 27-40(Text in Persian).
- Bodenmann, G., Charvoz, L., Bradbury, T. N., Bertoni, A., Iafrate, R., Giuliani, CH., Banse, R., & Behling, J. (2007). Attractors and barriers to divorce: a retrospective study in three European Countries. *Journal of Divorce & Remarriage*, 45(3/4).
- Canary, D. J. and Stafford, L. (1992). Relational maintenance strategies and equity in marriage. *Communication Monographs*, 59: 243-267. doi: 10.1080/03637759209376268
- Clarke-Stewart, A. and Brentano, C. (2006). Divorce: causes and consequences. *New Haven and London University*.
- Hatami Varzaneh, A. (2016). *Designing a satisfied long term marriage model and examining effectiveness of intervention program based upon it*. A doctoral Dissertation, Allameh Tabababa'i University(Text in Persian).
- Hosseini, M. (2012). *The relationship between coping styles with intimacy and marital commitment in the culture of the city of Ilam*. A MA Dissertation, Allameh Tabababa'i University(Text in Persian).
- Kalmijn, M. (1999). Father involvement in childrearing and the perceived stability of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 61: 409-421.
- Khaledi, Sh., Mootabi, F., Pourebrahim, T. and Bagheryan, F. (2014). The marriage protective factors in married people with risk factors. *Journal of Family Research*, 10(1): 31-45(Text in Persian).
- Kheiri, T. (2016). *Study of the reasons for the continuation of common life and its relationship with marital satisfaction, life satisfaction and psychological well-being in married people*. A MA Dissertation, Al-Zahra University(Text in Persian).
- Lambert, N. M. and Fincham, F. D. (2011). Expressing gratitude to a partner leads to more relationship maintenance behavior. *American Psychological Association*, 11(1): 52-60.
- Lenthall, G. (1977). Marital satisfaction and marital stability. *Journal of Marriage*



and Family Counseling, 25-32.

- Martin, R. A., Puhlik-Doris, P., Larsen, G., Gray, J. and Weir, K. (2003). Individual differences in uses of humor and their relation to psychological well-being: development of the humor styles questionnaire. *Journal of Research in Personality*, 37: 48-72.
- Momeni, KH., Seyedi, M. S., Rezai, KH., Azizi, A. and Ansari, S. (2015). The effect of leisure patterns in marital stability by mediating strategies for maintaining marital relationship and happiness. *Quarterly Counseling and Psychotherapy Family*, 4(2): 339-356(Text in Persian).
- Mousavi, S. and Dehshiri, GH. (2016). The role of the gap between expectations and the reality of marital relationship in marital satisfaction of women and men in Tehran. *Journal of Sociological-Psychological Studies of Women*, 13(2): 93-110(Text in Persian).
- Nedai, A., Bahrami, F., Jazayeri, R. and Fatehizadeh, M. (2015). The study of gender differences in coping strategies in marital adjustment and comparison in couples in Isfahan. *Journal of Sociological-Psychological Studies of Women*, 12(3): 141-167(Text in Persian).
- Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study*. A doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Ogolsky, B. G. and Bowers, J. R. (2012). A meta-analytic review of relationship maintenance and its correlates. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(3): 343-367.
- Orathinkal, J. and Vansteenwegen, A. (2006). The Effect of Forgiveness on Marital Satisfaction in Relation to Marital Stability. *Contemporary Family Therapy*, 28: 251- 260.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2003). Why stay married? Rewards, barriers, and marital stability. *Journal of Marriage and Family*, 65: 561-573.
- Ross, E. C. (2009). Marital satisfaction, dissatisfaction, conflict and qualities of successful marriage. *Psychology of the family*, 2-15.
- Sayadi, M. S., Nazari, A. M. and Ebrahimi, M. (2014). The role of belief in sacred marriage in happiness. *Journal of Psychology and Religion*, 1(25): 47-58(Text in Persian).
- Stafford, L. and Canary, D. J. (1991). Maintenance strategies and romantic relationship type, gender, and relational characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8: 217-242.
- Stafford, L., Dainton, M. and Haas, S. (2000). Measuring routine and strategic relational maintenance: scale revision, sex versus gender roles, and the prediction of relational characteristics. *Communication Monographs*, 67(3): 306-323.

- Vangelisti, A. L. and Perlman, D. (2006). *The Cambridge handbook of personal relationships*. Cambridge University Press.
- Zare, B. and Safiyari, J. H. (2016). Study of the relationship between factors affecting marital satisfaction among married women and men in Tehran. *Journal of Sociological-Psychological Studies of Women*, 13(1): 111-140(Text in Persian).





The Relationship between the Reasons for the Continuation of Life with Spouse and the Strategies for Maintaining Marital Relationship

Raziyeh Nasiri Dehsorkhi¹
Gholamreza Dehshiri²
Faride Ameri³

Abstract

The aim of this study was to determine the relationship between the reasons for continuing living with spouse and the strategies for maintaining marital relationship. It was a descriptive study of correlational type. The population consisted of couples aged 17 to 55 in cities of Semnan and Esfahan who had lived together between 1 to 35 years and continued living with their spouses in 1395. A sample included 175 individual (100 women and 75 men) were selected by available sampling method. The data were collected from the reasons for continuation common life scale and the marital relationship maintaining strategies questionnaire. Data were analyzed using correlation test and independent t-test. The results of the study showed that there is a significant and positive relationship between the rewarding factors and the number of rewarding factors with the type of strategies for maintaining marital relationships. On the other hand, there is a significant and negative relationship between the restricting factors and the number of restricting factors with the type of strategies for maintaining marital relationships. In addition, there was no obvious difference in the restricting and rewarding reasons for continuation of living with spouse between two genders. In general, the study showed that the rewarding factors play a very important

1. Master of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

* Corresponding Author: r_nasiri_71@yahoo.com

2. Assistant Professor, Alzahra University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Submit Date: 2017-11-24

Accept Date: 2018-6-04

DOI: 10.22051/jwsp.2018.18200.1608

role in the strategies that individuals use to maintain their marital lives. Furthermore, the result of this study can be used to increase and improve the quality, satisfaction, and stability of couples' lives together.

Keyword

the reasons for continuation of living with spouse; marital satisfaction; strategies for maintaining marital relationship; rewarding factors; restricting factors

